

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۴

## بررسی حقوق اقلیت‌های دینی و نژادی در حکومت پیامبر اسلام (ص)

۱۲۱

فصلنامه مطالعات

حقوق شرعی اسلامی

بررسی حقوق اقلیت‌های دینی و نژادی در حکومت پیامبر اسلام (ص)

امید احمدزاده

امید احمدزاده<sup>\*۱</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

### چکیده

حقوق اقلیت‌ها از موضوعات مهم جامعه بین‌المللی و یکی از دغدغه‌های مهم در گفتمان عدالت حقوقی است. اقلیت‌ها در هر نظام حقوقی از حقوقی برخوردارند که این حقوق می‌تواند در ارزیابی آن نظام حقوقی معیار و محک سنجش قرار گیرد. در دین اسلام نیز رعایت حقوق اقلیت‌ها به ویژه اقلیت‌های دینی مورد توجه قرار گرفته است. بحث اصلی در این مقاله این است که در حکومت پیامبر اسلام (ص) چه حقوق و اختیاراتی برای اقلیت‌های دینی و نژادی در نظر گرفته شده است و گستره این حقوق تا کجاست؟

آنچه مسلم است این است که پیامبر (ص) در سیره و رفتار خویش به خوبی احترام به حقوق اقلیت‌ها را به اجرا گذاشته است. این حسن سلوک و رفتار احترام‌آمیز در ارتباط با همه اقلیت‌های دینی و نژادی به خوبی تحقق یافته است. تا جایی که پیامبر (ص) با برخی از این اقلیت‌ها پیمانی تحت عنوان «عقد ذمه» منعقد ساخته که

براساس آن اقلیت‌ها تعهداتی را نسبت به دولت اسلامی می‌پذیرند و در مقابل دولت اسلامی هم حقوق و اختیاراتی همچون برقراری امنیت، تأمین آزادی دینی و انجام مراسم مذهبی، انتخاب مسکن و شغل و غیره را برای آنان به رسمیت شناخته است.

**واژگان کلیدی:** اقلیت، اقلیت‌های دینی، اقلیت‌های نژادی، حکومت پیامبر(ص)، عقد ذمه و قانون اساسی.



## ۱- مفهوم اقلیت

اصطلاح اقلیت که غالباً با مشخصه‌هایی زبانی، قومی، دینی و مذهبی همراه است در برگیرنده آن دسته از گروه‌های انسانی است که در شرایطی حاشیه‌ای و در موقعیت ناشی از فرودستی کمیتی و در عین حال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به سر می‌برند. (پی‌یر ۱۳۷۴: ۵)

به عبارت دیگر اقلیت‌ها بیشتر با این وصف شناخته می‌شوند که در میان طبقات اجتماعی، در مقابل اکثریت از حیث سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منزلت و جایگاه فرودستی دارند و دستیابی به پاره‌ای از مناصب و شغل‌ها برای آنان امکان‌پذیر نیست و یا حداقل مشکل می‌باشد. (لک‌زایی ۱۳۸۳، ص ۲)

برخی نیز بر این اعتقادند که اقلیت، مفهومی شمارشی و عددی نیست، بلکه این اصطلاح در مورد همه گروه‌هایی بکار می‌رود که در یک جامعه زندگی می‌کنند اما به علت وابستگی قومی، دینی، مذهبی، زبانی و رفتار و عادات از دیگر افراد آن جامعه متمایز می‌شوند. ممکن است این‌گونه افراد زیر سلطه باشند و یا از مشارکت در امور سیاسی جامعه کنار گذاشته شوند و یا مورد تبعیض و تعدی قرار گیرند، اما چنانچه نوعی احساس جمعی و گروهی نیز داشته باشند، اقلیت بشمار می‌روند. (همان: ۲)

امروزه از سوی سازمان ملل و نهادهای تخصصی آن تلاش‌های زیادی جهت ارائه تعریف دقیق و کاملی از اقلیت به عمل آمده است ولی به نتیجه‌ای مؤثر نرسیده‌اند، زیرا تاکنون توافق خاصی بر سر گروه‌هایی که باید در قلمرو این تعریف قرار بگیرند، حاصل نگردیده است.

با این حال در مباحث سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی آن، می‌توان مشخصه‌های ذیل را برای شناسایی اقلیت‌ها ذکر کرد:

« ۱- از لحاظ تعداد کم باشند. ۲- حاکمیت را در دست نداشته باشند، ۳-

تفاوت نژادی، ملی، فرهنگی، زبانی یا تفاوت مذهبی داشته باشند. « (محرابی ۱۳۸۷: ۴۴)

از همان ساله‌ای آغازین ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی، جمعیت و گروه‌هایی از پیروان ادیان مختلف بدون آنکه به اسلام بگروند در کنار مسلمین در سرزمین‌های اسلامی باقی ماندند این امر زمینه شکل‌گیری اقلیت‌های دینی و ضرورت توجه به حقوق آن‌ها را در دولت اسلامی فراهم نمود.

آنچه مسلم است در صدر اسلام با اقلیت‌های دینی ساکن سرزمین اسلامی پیمانی تحت عنوان « عقد ذمه » منعقد می‌شد البته عقد ذمه با پیروان ادیان اهل کتاب یعنی زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان ساکن قلمرو اسلامی منعقد می‌گردید. بنابراین اهل ذمه غیرمسلمانانی هستند که در پناه اسلام و حکومت اسلامی زندگی می‌کنند و با آنان « عقد ذمه » منعقد می‌شود.

مقصود اصلی از تشریح پیمان ذمه، ایجاد محیط امن و تفاهم در زندگی جمعی و همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقلیت‌های مختلف دینی و مذهبی در قلمرو حکومت اسلامی است. (عمید زنجانی ۱۳۷۰: ۵۷)

## ۲- جایگاه اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی

امروزه در بسیاری از کشورها، اقلیت‌های نژادی، مذهبی، قومی و زبانی زندگی می‌کنند که در بیشتر موارد و به دلایل سیاسی، مذهبی تحت فشار قرار می‌گیرند. حقوق بین‌الملل به منظور جلوگیری از تضييع حقوق این گروه‌ها در زمینه‌های مختلف حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مقرراتی را در حمایت و پشتیبانی از آنان وضع کرده است.

نخستین سند در حمایت از اقلیت‌ها، عهدنامه ۱۸۵۶ پاریس است که صریحاً تبعیض نژادی و مذهبی را منع می‌نماید. پس از جنگ جهانی اول و دوم و تغییرات عمده‌ای که در مرز برخی کشورها رخ داد باعث اختلاط نژادی،

مذهبی و قومی ملت‌ها گردید که این امر موضوع اقلیت‌ها و رعایت حقوق آن‌ها را بیش از پیش آشکار ساخت. بر این اساس در زمان جامعه ملل «یک نظام بین‌الملل حمایت از اقلیت‌ها بوجود آمده بود. بدین صورت که در معاهداتی که بین دولت‌ها بسته می‌شد مقرر شده بود، دولت‌هایی که در آن‌ها اقلیت وجود دارد، نسبت به آن‌ها تبعیض روا ندارند و حق استفاده از زبان و مذهب خود را به آنان بدهند.» (www.iranjewish.com)

بعد از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد، در اسناد بین‌المللی حقوق بشر با اینکه صریحاً و به طور خاصی سندی به اقلیت‌ها اختصاص داده نشد، ولی با درج اصل عدم تبعیض در منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد حقوق بشری، در واقع اقلیت‌های قومی، نژادی، دینی و زبانی تحت حمایت حقوق بین‌الملل قرار گرفته‌اند. و امروزه کمتر کشوری یافت می‌شود که به صراحت حقوق اقلیت‌ها را نادیده بگیرد یا منکر آن شود.

بهر حال در حقوق بین‌الملل علی‌رغم حمایت عام اسناد حقوق بشری از اقلیت‌ها، تنها سند بین‌المللی حمایت‌کننده از آنان به طور خاص «اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی است که طبق ماده اول این اعلامیه، کشورها از وجود هویت ملی یا قومی، فرهنگی، مذهبی و زبانی اقلیت‌ها در سرزمین خود حمایت می‌کنند و ایجاد شرایط خاص را به منظور اعتلای این هویت، تسهیل می‌نمایند.» (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۹: ۲۴۹)

### ۳- پیامبر اسلام (ص) و اقلیت‌ها

به شهادت تاریخ مبانی و اصول دین مبین اسلام در حمایت از حقوق اقلیت‌ها، در قرن هفتم میلادی برای نخستین بار گام بزرگی بوده که در راه تحقق عدالت و آزادی و برابری انسان‌ها برداشته شده است.

حقوق اقلیت‌ها یکی از موضوعات مهم در تاریخ اسلام است که همواره مورد

توجه متفکران و غیرمسلمان قرار گرفته است. پیامبر(ص) در سیره و رفتار خویش به خوبی احترام به حقوق اقلیت‌ها را به نمایش گذاشته است و بدون شک الگوی رفتاری همه مسلمانان در این موضوع و موضوعات دیگر است و تاریخ، رفتار پیامبر(ص) با اقلیت‌هایی که در پناه حکومت ایشان در مدینه و اطراف آن می‌زیستند را ثبت کرده است. ([www.pajoohe.com](http://www.pajoohe.com))

پیامبر اسلام نه تنها تبعیض نژادی را هرگز به رسمیت نشناخته بلکه بارها بر تساوی نژادها تصریح کرده است. چنانچه در فتح مکه فرمود: « مردم از زمان آدم تا امروز مثل دانه‌های شانه (مساوی) هستند. هیچ فضیلتی برای عرب بر عجم و برای سرخ بر سیاه وجود ندارد مگر به سبب تقوی». همچنین اقلیت‌های دینی نیز در پناه اسلام در انجام مراسم عبادی و حفظ آیین خود آزاد بوده‌اند و هیچ کس حق اذیت و آزار آن‌ها را نداشت تا جایی که پیامبر(ص) فرمود: « هر کس به انسانی که در پناه اسلام است ظلم کند روز قیامت در برابر او خواهم بود و علیه او سخن خواهم گفت». (اصغری آقا مشهدی ۱۳۸۹: ۱۲)

بنابراین اقلیت‌ها همواره در قلمرو اسلامی با استفاده از جمیع امکانات و مقادورات اجتماعی زندگانی می‌کنند و حتی چنانچه از کتب تاریخی و فقهی بر می‌آید. پیامبر اسلام(ص) با گروه‌هایی از آنان قراردادی تحت عنوان « عقد ذمه » در باب حمایت از ایشان منعقد نموده است. روی این اصل، اسلام با مخالفان عقیده و دین اسلام مخالفتی ندارد چون افراد بشر بندگان خداوند هستند و اگر کسی اسلام نیاورد، لزومی ندارد با او قطع ارتباط شود؛ زیرا اسلام مکتب صلح و دوستی است، پس چون شارع مقدس نتوانسته است این موضوع اساسی و مهم را نادیده بگیرد، از این رو قوانین و مقرراتی را از نظر روابط آنان با دولت اسلامی و نیز با هم کیشان خود و اختیاراتی که می‌توانند داشته باشند، وضع نموده تا آن‌ها بتوانند با آرامش و امنیت در پناه دولت اسلامی زندگی کنند.

در این مقاله وضعیت اقلیت‌های دینی و نژادی در صدر اسلام و حکومت

پیامبر (ص) و حقوق و اختیاراتی که اقلیت‌ها از آن بهره‌مند بوده‌اند بررسی می‌شود.

### ۳-۱ حقوق اقلیت‌های دینی در حکومت پیامبر اسلام (ص)

همان‌طور که گفته شد منظور از اقلیت‌های دینی، پیروان ادیان زرتشتی، یهود و مسیحی می‌باشند. در زمان پیامبر (ص) اقلیت‌های یهودی و نصاری زیادی در قلمرو اسلامی زندگی می‌کردند و به آن‌ها اهل ذمه گفته می‌شد. این گروه‌ها حاضر به پذیرش دین اسلام نشدند و از آنجا که در دین اسلام اجبار و اکراه جایی ندارد؛ چرا که خداوند در قرآن می‌فرماید: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی». (بقره / آیه ۲۵۶) لذا دولت اسلامی آنان را مجبور به پذیرش دین اسلام نمی‌کرد و از طرفی چون در قلمرو دولت اسلامی زندگی می‌کردند می‌بایست قواعد و مقرراتی برای آنان وضع گردد. بر این اساس با اقلیت‌های دینی عقد ذمه بسته می‌شد، هدف اصلی از انعقاد چنین قراردادی، ایجاد محیط امن و تفاهم و زندگی مشترک و همزیستی مسالمت‌آمیز میان گروه‌های مختلف دینی و مذهبی در داخل قلمرو اسلامی بوده است.

به موجب عقد ذمه، اقلیت‌های دینی مادامی که بر پیمان خود وفادار بمانند از حقوق و اختیاراتی بهره‌مند شده و مورد حمایت دولت اسلامی هستند. در مقابل اقلیت‌ها هم مالیاتی تحت عنوان «جزیه» به حکومت اسلامی می‌پردازند.

امام سجاد(ع) در مورد اهل ذمه فرمودند: حق اهل ذمه این است که آنچه را خداوند از ایشان قبول کرده بپذیری، مادام که ایشان به پیمان با خدای عزوجل وفادارند، و ستم در مورد ایشان روا نداری. (سپهری ۱۳۸۵: ۱۸۶)

از جمله اختیارات و حقوقی که برای اقلیت‌های دینی در حکومت پیامبر(ص) در نظر گرفته می‌شد و حتی بعد از رحلت پیامبر(ص) هم، این حقوق و مزایا برای اقلیت‌هایی که در قلمرو دولت اسلامی زندگی می‌کرده‌اند در نظر گرفته

می شده است، عبارت‌اند از:

### ۳-۱-۱ حق مصونیت و امنیت و آرامش

یکی از مهم‌ترین و لازم‌ترین حقوقی که اقلیت‌های دینی در صدر اسلام و در قلمرو دولت اسلامی از آن برخوردار بودند، حق آرامش و امنیت و مصونیت همه جانبه است و نبود این حق چیزی جزء، اضطراب و جنگ و خونریزی و عدم آرامش نیست. پیامبر (ص) در پیمان‌هایی که با یهود و دیگر ساکنان مدینه منعقد می‌کردند، تاکید داشتند که داخل شهر مدینه هم در امنیت و آرامش کامل هستند و هیچ کس حق تعرض به کسی را ندارد. بعلاوه از دید ایشان جنگ با اقلیت‌هایی که تمایل به زندگی مسالمت‌آمیز دارند، ممنوع است. (ابن هشام:

۱۴۸)

تعهد مبنی بر تأمین مصونیت و ایجاد آرامش به دو صورت در عقد ذمه قید می‌شود: یکی خودداری مسلمانان از هر گونه تجاوز به جان، مال و ناموس متحندان ذمی و دیگری، حمایت و تأمین جانی، مالی و عرضی ذمیان و دفاع از آنان در برابر تجاوز بیگانگان. (سلیمی، ر. ک [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net))

در جایی امام علی (ع) درباره علت جزیه اقلیت‌ها فرمودند: «تا اموال آنان همچون اموال ما و خون آنان همچون خون ما در امان حکومت بماند». (عاملی

۱۶۱)

در روایات نقل شده که پیامبر (ص) فرمودند «هر کسی ذمی را بکشد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد» و «هر کس شخصی را که در پناه اسلام است به ناحق بکشد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد». (السنن الکبری ۲۰۵/۹)

همچنین پیامبر (ص) فرمودند: «هر کس به انسانی که در پناه اسلام است ظلم کند و او را کم انگارد و بیش از طاقتش بر او تکلیف کند یا چیزی بدون رضایت از او بگیرد من روز قیامت در برابر او خواهم بود و علیه او سخن

۱۲۸

فصلنامه مطالعات

حقوق شرع اسلامی

سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۱



خواهم گفت». (همان)

بنابراین هیچ کس حق تعرض به جان، مال و ناموس اقلیت‌ها را ندارد و در صورت تعرض مجازات می‌شود، زیرا تأمین امنیت آنان بر عهده حکومت اسلامی است. حتی پیامبر (ص) به کسانی که به طور موقت به کشور اسلامی پناه می‌آوردند، هم امنیت کامل می‌داد.

### ۳-۱-۲- آزادی مذهبی و انجام شعائر دینی

اسلام احترام به ادیان آسمانی دیگر و انبیاء الهی و شریعت آنان را جزء اصول عقاید خود بشمار آورده و در آیات متعدد قرآن به آن اشاره گردیده است:

« قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إسماعِيلَ وَ اسْحَقَ وَ يعقوبَ وَ الاسباط وَ ما أوتىٰ موسىٰ وَ عيسىٰ وَ ما أوتىٰ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ وَ مسلمون». (آیه ۱۳۶ بقره)

بگویند ما به خدا ایمان آورده‌ایم و به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اخلاف آنان نازل گشته و نیز به آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر از طرف پروردگارشان داده شده است، در میان آن‌ها فرقی قائل نمی‌شویم و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم».

از جمله حقوق اقلیت‌های ساکن در حکومت نبوی، آزادی انجام مراسم و شعائر مذهبی بوده است بر این اساس آنان حق دارند به طور علنی و رسمی به انجام مراسم مذهبی و عبادات و سایر امور مربوط به مذهب خود بپردازند. و به استناد چنین حقی و امتیازی اقلیت‌ها مجازند به طور انفرادی یا دسته‌جمعی در معابد و اماکن مقدسه خود مراسم عبادی خود را انجام دهند و کسی حق تعرض به آنان را ندارد.

احترام به شریعت و آداب و رسوم اقلیت‌ها را پیامبر (ص) برای اقلیت‌های دینی که در مدینه یا اطراف آن زندگی می‌کردند، قائل بودند به عنوان مثال از

همان آغاز هجرت به مدینه، پیامبر (ص) یهود مدینه را به پیمان همزیستی مسالمت آمیز دعوت کردند و آنان و مسلمانان و کلیه هم پیمانان آنان را یک امت خواندند. (ابن هشام، همان: ۱۴۹)

گفته شده پیامبر (ص) محدودیت خاصی را برای دین یهودیان در مدینه اعمال نکردند، همچنان که مسلمانان در مسجد مدینه نماز می خواندند، آنان هم در معابد خویش آزادانه به عبادت می پرداختند و هیچ مسلمانی حق تعرض به آنان و اعتراض به حضور علنی آنان نداشت، تا زمانی که این اقلیتها بر پیمان خود با پیامبر استوار بودند و حتی زمانی که گروهی از مسیحیان نجران برای بررسی تحقیق درباره اسلام به مدینه آمدند، پیامبر (ص) آنان را در مسجد به حضور پذیرفت و به آنان اجازه داد تا در همان جا عبادت کنند. در این هنگام مسیحیان به سوی مشرق ایستادند و عبادت خویش را بجا آوردند. (سجانی ۱۳۷۵: ۴۳۳) و این به معنی پذیرش آزادی مذهبی برای اقلیتهاست.

بعلاوه آزادی داشتن معابد نیز در اسلام پذیرفته شد و بر همین اساس معابد اهل کتاب در جنگهای صدر اسلام هیچ گونه مورد تعرض واقع نشده است. (ابن سعد ۱۹۶۸: ۵۰) زیرا در قرآن کریم صیانت عبادتگاههای اهل ذمه، یکی از اهداف جهاد اسلامی قلمداد شده است (آیه ۴ سوره حج)

همچنین اقلیتها در صدر اسلام علاوه بر آزادی مذهبی دارای آزادی عقیده هم بودند و آنها می توانستند آزادانه به اظهار نظر و عقیده خود پردازند. و حتی « پیامبر (ص) به اقلیتها اجازه می دادند که در مسائل اعتقادی و دینی به مناظره و حتی جدال با ایشان پردازند ». (ابن هشام: ۳۱۹)

برخی پذیرش آزادی عقیده و اظهار نظر در قلمرو دولت اسلامی برای اقلیتها را بر این پیش فرض استوار می کنند که اسلام توانایی پاسخ به هر اندیشه و عقیده ای را داراست و از این رو اظهار عقیده از سوی دیگران بلامانع است، زیرا اسلام به عنوان شریعت پیامبر خاتم، می تواند با منطق صحیح، پاسخ هر گونه

اندیشه و عقیده‌ای را بدهد. (لک زایی همان: ۵)

### ۳-۱-۳- حقوق قضایی

یکی از حقوق لازم برای شهروندان یک کشور، حقوق نشأت گرفته از عدالت قضایی است و اجرای چنین عدالتی مستلزم برخورد یکسان با همه افراد یک جامعه در دادگاه‌هاست تا اقلیت‌های ساکن در آن کشور با اطمینان خاطر بتوانند در صورت نیاز به احقاق حق به دادگاه رجوع و با انصاف با آنان برخورد شود.

اسلام هم مطابق قرارداد ذمه، حق ترافع قضایی را برای احقاق حق اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته است. در صدر اسلام، غیرمسلمانان ساکن در مدینه النبی بارها برای حل اختلافات و دعاوی خویش به پیامبر (ص) مراجعه می‌کردند، هر چند که برخی از این مراجعات جنبه حق طلبی نداشت و چه بسا که بسیاری از افراد با ظلم به دیگران و به دنبال منافع شخصی نزد پیامبر مراجعه می‌کردند، تا به نفع آنان حکم کند و براساس همین رفتارها، خداوند به پیامبر (ص) فهماند که او مجبور به رسیدگی به چنین دعاوی‌ای نیست و ایشان را منخیر به رسیدگی کرد.

« فان جَاوَكَ فاحْكُم بَيْنَهُم او اَعْرَضْ عَنْهُمْ ». پس اگر نزد تو آمدند بین آنان حکم کن و یا از آنان اعراض نما و اگر اعراض نمودی هرگز زبانی به تو نخواهد رسید. (آیه ۳۳ سوره مائده).

پیامبر (ص) در رسیدگی‌های خود هیچ‌گونه تبعیضی میان عرب‌ها و غیر عرب‌ها روا نمی‌داشتند. چرا که خداوند در قرآن می‌فرماید؛ « این حکمت فاحکم بینهم بالقسط » و اگر بین آن‌ها حکم می‌کنی، به عدالت حکم کن. (آیه ۳۲ سوره مائده)

قرآن کریم دلیل این تخییر را بیان کرده است؛ « کیفَ يحكمونك و عندهم التوریه فیها حکمُ الله ثُمَّ يتولونَ من بعد ذلك و ما اولئك بالمومنین » چگونه تو را به داوری می‌طلبند در حالی که تورات نزد ایشان است و در آن حکم خدا هست. وانگهی پس از داوری خواستن، (چرا) از حکم تو روی می‌گردانند! آن‌ها مؤمن

نیستند. (آیه ۴۳ سوره مائده)

از بارزترین مظاهر عدالت و استقلال قضایی اقلیت‌ها این است که امام علی(ع) در زمان حکومت خویش، در دادگاه حضور یافت و در کنار یهودی طرف دعوا نشست و قاضی به نفع یهودی حکم صادر کرد... آنجا که یهودی می‌دانست حق با علی(ع) است و «زره» مورد نزاع از آن اوست، تحت تأثیر رفتار عادلانه آن حضرت قرار گرفت و مسلمان شده و زره را به آن حضرت تقدیم کرد. (مجلسی: ۵۶)

بنابراین می‌توان گفت که اقلیت‌های دینی در حکومت نبوی از حق ترافع قضایی در موارد زیر برخوردار بوده‌اند:

«الف- ذمی، مدعی و مسلمانان، مدعی علیه باشند و یا بلعکس، یعنی در صورتی که یک طرف دعوا مسلمان باشد، آن‌ها می‌توانند به مراجع قضایی اسلام مراجعه کنند و حکم صادره لازم‌الاجراست.

ب- اگر دو طرف دعوا هر دو اهل کتاب باشند، می‌توانند به مراجع قضایی اسلام مراجعه کنند، اما اجباری در این کار نیست، همان طور که حاکم اسلامی هم مجبور نیست به درخواست آنان پاسخ مثبت دهد». (سلیمی، همان)

### ۳-۱-۴- حق مسکن

یکی دیگر از حقوقی که برای اقلیت‌های دینی در چارچوب قرارداد ذمه به رسمیت شناخته شده است آزادی مسکن و حق انتخاب اقامتگاه می‌باشد. توضیح اینکه اقلیت‌های دینی پس از انعقاد قرارداد ذمه، آزادند که در هر نقطه از سرزمین، به جزء مناطق ممنوعه، از قبیل سرزمین حجاز، مساجد مسلمانان و ... - که در کتب فقهی احکام آن بیان شده است - اقامت دائم یا موقت اختیار کنند. البته ممکن است براساس قرارداد ذمه، محدودیت‌های دیگری نیز در این خصوص اعمال شود، مثلاً ساختمان آنان در محله مسلمان‌نشین، نباید به صورت

غیرمتعارف بلند و مشرف بر خانه‌های مسلمانان باشد این توصیه در مورد مسلمانان نیز اعمال شده است اما در خصوص اقلیت‌های دینی الزامی است. (سلیمی، همان)

### ۳-۱-۵- آزادی فعالیت‌های اقتصادی و تجاری

در اسلام احترام به مالکیت فردی به عنوان یک اصل به رسمیت شناخته شده است و براساس همین اصل، مالکیت اقلیت‌های دینی را نیز محترم می‌شمارد و کسی بدون مجوز قانونی حق دخالت در این زمینه را ندارد و این نکته در پیمان‌های صدر اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. به موجب این آزادی اقلیت‌های دینی حق دارند به هر نوع شغل و حرفه‌ای که با قرارداد ذمه منافات نداشته باشد و ایجاد مفاسد و اختلال در نظام اجتماعی جامعه اسلامی نمایند اشتغال ورزند. بعلاوه اسلام اصولاً اقلیت‌های دینی متعهد را مجبور به پیروی و مراعات قوانین و مقررات اقتصادی اسلامی نمی‌نماید بلکه آنان می‌توانند طبق مقررات آیین خود به داد و ستد و فعالیت بازرگانی بپردازند.

سیره پیامبر اسلام (ص) در روابطی که با یهودیان و مسیحیان متحد خویش داشت، نمونه عملی بارزی از طرح سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در قرارداد ذمه در مقیاس بین‌المللی بود. پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) با یهودیان مدینه دادوستد می‌کردند و از آنان وام می‌گرفتند از بازرگان ذمی بجز جزیه، مالیات اجناس دریافت نمی‌شد؛ البته فعالیت‌های بازرگانی با رعایت مقررات و موازین اسلامی انجام می‌شود و ممنوعیت معاملات که شرعاً حرام است (مانند معاملات ربوی) یا چیزهای که از نظر اسلام مالکیت ندارد (مانند خوک، شراب، آلات موسیقی و قمار) همگانی است. (سلیمی، همان)

#### ۴- پیامبر اسلام و اقلیت‌های نژادی

مردم زمان پیامبر(ص) به لحاظ نژادی یا عرب بودند یا عجم، اما با اینکه قرآن به زبان عربی نازل شده و پیامبر اکرم (ص) عرب بود و اسلام در سرزمین عربستان طلوع کرده است و عمده نیروهای اداری حکومت پیامبر نیز عرب بوده‌اند، اما از دیدگاه پیامبر عربیت هرگز یک اولویت محسوب نمی‌شد. زیرا آن حضرت فرمودند: «ای مردم، خداوند در پرتو اسلام افتخارات دوران جاهلیت و مباحات بوسیله انساب را از میان شما برداشته است. همگی از آدم بوجود آمده‌اید و او نیز از خاک آفریده شده است بهترین بندگان خدا با تقواترین آنهاست». همچنین حضرت در خصوص این که عربیت موجب امتیاز ذاتی نیست، فرمودند: عربیت ملاک شخصیت و جزء ذات شما نیست. بلکه زبانی گویاست و هر کس در انجام وظیفه خود کوتاهی کند افتخارات پدری او را به جایی نمی‌رساند و کمبود کار او را جبران نمی‌کند. (اصغری آقا مشهدی، همان: ۱۳)

یکی از نمونه‌های بارز برخورد مساوی پیامبر با نژادهای مختلف، تقسیم مساوی بیت‌المال بین تمام مسلمانان اعم از عرب و عجم بوده است. حضرت علی نیز که شاگرد و تربیت یافته مکتب نبوی است، این چنین عمل می‌کرد. در یک مورد، دو زن، یکی عرب و دیگری غیر عرب، نزد آن حضرت آمدند. حضرت به آن‌ها سهم مساوی داد. زن عرب در اعتراض گفت من عرب و آن دیگری عجم است. حضرت فرمودند در بیت‌المال فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق برتری ندارد. (وسایل الشیعه ۸۱/۱۱/ حدیث ۴)

سلمان فارسی هم عرب نبود ولی از صحابه بسیار نزدیک پیامبر(ص) بود و در برخی امور پیامبر با ایشان مشورت می‌کرد حتی تا جایی که پیامبر(ص) در جایی در مورد ایشان می‌فرماید؛ «سلمان منا اهل البیت». بدیهی است منظور از این پیوند یک پیوند نسبی نبود بلکه به دلیل کمالات انسانی سلمان بوده است. نمونه دیگر از تساوی نژادی نزد پیامبر، جایگاه بلال حبشی نزد آن حضرت است

که علی‌رغم اینکه بلال یک برده سیاه‌پوست آزاد شده بود، ولی به عنوان اولین مؤذن انتخاب شد و حتی عهده‌دار امور مالی پیامبر نیز بوده است. بنابراین پیامبر میان نژادهای مختلف اعم از عرب و عجم، سیاه‌پوست، سفیدپوست و سرخ‌پوست تفاوتی قائل نبودند مگر به سبب تقوا.

#### ۵- حقوق ویژه اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با ملاحظه بسیاری از اصول قانون اساسی می‌توان گفت که حقوق و آزادی‌های اساسی برای کلیه شهروندان و اتباع ایرانی در نظر گرفته شده و آنان در برخورداری از این حقوق بدون توجه به وابستگی قومی، نژادی، زبانی و حتی مذهبی مساوی‌اند.

۱۳۵

فصلنامه مطالعات

حقوق بشر اسلامی

بررسی حقوق اقلیت‌های دینی و نژادی در حکومت پیامبر اسلام (ص)

آبند احمدزاده

با مطالعه اصول ۳، ۱۴، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴ و ۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌توان اذعان کرد که در این قانون یک سلسله حقوق اساسی از قبیل تساوی در برابر قانون، محفوظ بودن جان و مال و شغل، مسکن، آزادی عقیده، انتخاب شغل، برخورداری از روند عادلانه دادرسی، داشتن تابعیت، مشارکت در اداره امور کشور و امثال این‌ها برای همه افراد و اتباع کشور و شهروندان ایرانی صرف‌نظر از هر نوع وابستگی قومی، زبانی، و مذهبی به رسمیت شناخته شده است. و همگی بدون هیچ تبعیضی از این حقوق می‌توانند بهره‌مند گردند. اما علاوه بر این دید کلی مبنی بر تساوی و عدم تبعیض در خصوص همه مردم ایران، قانون اساسی برای اقلیت‌های دینی شناخته‌شده (زرتشتیان، مسیحیان و یهودیان) تمهیداتی اندیشیده است؛

#### ۵-۱- آزادی انجام مراسم دینی

اصل ۱۳ قانون اساسی، ضمن شناسایی موجودیت و هویت اقلیت‌های دینی (زرتشتی، یهودی و مسیحی)، به آنان اجازه داده در انجام مراسم دینی و مذهبی

خود آزاد باشند و در عمل نیز آنان دارای کلیساها، کنیسه‌ها و آتشکده‌های مختلف در سراسر کشور هستند.

#### ۵-۲- اجرای مقررات مذهبی خویش در احوال شخصی

طبق اصل ۱۳ قانون اساسی پیروان ادیان رسمی، در خصوص احوال شخصی یعنی ازدواج، طلاق، ارث و وصیت طبق مقررات مربوط به مذهب خودشان عمل می‌شود و حتی اگر دعوا و مسئله‌ای در دادگاه‌های ایران مطرح باشد، قاضی دادگاه طبق قواعد مسلم مذهبی آن‌ها موضوع را فیصله می‌دهد.

#### ۵-۳- تشکیل انجمن

همچنین به موجب اصل ۲۶ قانون اساسی، اقلیت‌های دینی می‌توانند دارای انجمن و جمعیت باشند که هدف از تشکیل چنین انجمن و جمعیتی حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت می‌باشد.

#### ۵-۴- داشتن نماینده در مجلس شورای اسلامی

قانون اساسی جهت تحقق هر چه بیشتر حضور اقلیت‌های دینی در جامعه و مشارکت در سرنوشت خود مقرر می‌دارد که آنان می‌توانند در مجلس شورای اسلامی نماینده داشته باشند و از بین هم‌کیشان خود نماینده انتخاب نموده و به مجلس بفرستند.

شایان ذکر است که آن دسته از اقلیت‌هایی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده‌اند، با تمسک به اصول مختلف قانون اساسی می‌توان گفت آن‌ها شهروندان ایران هستند که جان و مال و مسکن آن‌ها از هر گونه تعرض در امان است و تابع احکام و قوانین عمومی حکومت می‌باشند.



## نتیجه‌گیری

بردباری مذهبی و امکان زندگی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان مختلف و اقلیت‌ها در قلمرو یک جامعه، یکی از ارزش‌های مهم در حقوق بین‌المللی و حقوق داخلی است و تنها دینی که این همزیستی مسالمت‌آمیز را به صورت کامل مطرح کرده، دین مبین اسلام است و قرآن با صراحت تمام به همزیستی مسالمت‌آمیز دعوت می‌نماید. (آیه ۶۴ آل عمران و ۶۱ انفال) در واقع قرآن کریم با ارائه مقرراتی در حمایت از گروه‌های اقلیت، توانسته ضرورت کاربرد اصل تساهل دینی را در برخورد عقاید و آرا اعتبار بخشد.

آیین اسلام از همان ابتدا پیروان ادیان اهل کتاب را به عنوان اقلیت دینی در قلمرو جامعه اسلامی به رسمیت شناخته و امت اسلامی را به رعایت احترام و حفظ حقوق آنان فرمان داد. رفتار پیامبر اسلام (ص) با اقلیت‌ها اعم از نژادی و دینی مایه افتخار هر انسانی به ویژه مسلمانان می‌باشد و همان طور که ملاحظه شد ایشان بارها بر تساوی نژادی انسان‌ها و رعایت حقوق اقلیت‌های دینی تأکید نموده است.

جایگاه ویژه‌ای که برخی مسلمانان غیر عرب همچون سلمان فارسی، صهیب یونانی و بلال حبشی به واسطه ایمان خود نزد پیامبر داشتند گویای برابری نژادی انسان‌ها در حکومت و سیره پیامبر (ص) می‌باشد.

و همان طور که گفته شد حقوق و تعهدات اقلیت‌های دینی هم از همان آغاز ظهور اسلام تحت عنوان پیمانی به نام «عقد ذمه» مورد شناسایی قرار گرفت. اقلیت‌ها در این پیمان تعهداتی را نسبت به دولت اسلامی به عهده می‌گرفتند در مقابل، دولت اسلامی حقوقی همچون، آزادی انجام مراسم دینی و شعائر مذهبی، مصونیت جان و مال و مسکن و انتخاب شغل و انجام فعالیت‌های بازرگانی و تجاری با رعایت موازین اسلامی، برای آنان به رسمیت شناخت. قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران نیز با پیروی از تعالیم اسلام و سیره نبوی ضمن به رسمیت شناختن هویت و موجودیت اقلیت‌های دینی، آن‌ها را در انجام مراسم دینی و عمل بر طبق آیین خود در احوال شخصیه و تعلیمات دینی آزاد گذاشته است.



## منابع

### ۱. کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ابن هشام، عبدالملک، بی تا. "السیره النبویه". بیروت: دار المعرفه.
- اصغری آقا مشهدی، فخر الدین، ۱۳۸۹. "حقوق اقلیت‌ها از نظر پیامبر اسلام و حقوق موضوعه". مجله دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان.
- ابن سعد، محمد، ۱۹۶۸. "الطبقات الکبری". بیروت: دار صدرا.
- پی‌یر، ژرژ، ۱۳۷۴. "ژئوپولتیک اقلیت‌ها". ترجمه دکتر سیروس سهامی. تهران: واقفی.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۷۸. "فروغ ابدیت". قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- سپهری، محمد، ۱۳۸۵. "ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد (ع)".
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۷. "حقوق بین‌الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش".
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۰. "حقوق اقلیت‌ها براساس قانون و

- قرارداد ذمه". تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عاملی، محمد بن حسن، بی تا. "وسایل الشیعه". قم: مؤسسه أهل البیت، الثانیه.
  - لک زایی، شریف، ۱۳۸۳. "مردم سالاری دینی و حقوق اقلیت‌ها در نظریه سیاسی امام خمینی(ره)". فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۳.
  - محرابی، علیرضا و یونسی همکار، ۱۳۸۷. "نوع قومی و انسجام ملی در ایران". تهران: فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، شماره ۷.
  - مجلسی، محمد باقر، بی تا. "بحار الانوار". ج ۴۱.

## ۲. سایت‌ها

- [www.hawzah.net/fa/magart.html](http://www.hawzah.net/fa/magart.html)
- [www.iranjewish.com](http://www.iranjewish.com)
- [www.Pajoohe.com](http://www.Pajoohe.com)

۱۴۰

فصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی